

سیمای رجعت در آئینه قرآن

(تاویل و تفسیر آیات رجعت در روایات معصومین)

گردآوری

دکتر علی مشکینی

تابستان ۸۶



مشکینی، علی، ۱۳۴۵

سیمای رجعت در آئینه قرآن ثانوی و تفسیر آیات رجعت در روایات
معصومین/ گردآوری: علی مشکینی. تهریز: ندای شمس، ۱۳۸۶

۲۳۰ ص

۹۷۸-۹۶۴-۲۶۸۸-۲۲-۷

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیما

کتابنامه: ص. ۲۳۰

۱. مهدویت-احادیث، ۲. مهدویت-جنبه های قرآنی

۲۷۹/۱۵۹

BP ۱۰۴/م۸۶

۱۱۰۲۵۷۴

کتابخانه ملی ایران

نام کتاب: سیمای رجعت در آئینه قرآن

گردآورنده: دکتر علی مشکینی

ناشر: ندای شمس

قطع کتاب: پالتونی

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۶۸۸-۲۲-۷

سال چاپ: ۱۳۸۶

نوبت چاپ: اول

تیراژ: ۵۰۰

صفحه: ۲۳۰

بسم الله الرحمن الرحيم

رجعت و نیایش

فرازی از زیارت وارث

«و اشهد الله و ملائکته و انبیائه و رسله، انی بکم مؤمن و بایابکم موقن

«خدا و فرشتگان و پیامبران را گواه می گیرم که من به شما ایمان دارم و

بازگشت شما را یقین دارم»

فرازی از زیارت جامعه کبیره

معترف بکم، مومن بایابکم، مصدق برجعتکم، منتظر لامرکم،

مرتقب لدولتکم

«به شما ایمان دارم، بازگشت شما را باور دارم، رجعت شما را تصدیق

می کنم، امر شما را انتظار می کشم، دولت شما را چشم به راهم»

فرازی از زیارت آل یاسین

وان رجعتکم حق لاریب فیها، یوم لا ینفع نفسها ایمانها، لم

تکن امنة فی قبل او کسبت من ایمانها خیرا

«من گواهی می‌دهم که رجعت شما حق است تردیدی در آن نیست در آن روز است که دیگر کسی را ایمان آوردن سودی نمی‌بخشد، اگر قبلاً ایمان نیاورده باشد، باور ایمانش خبری به دست نیاورده باشد.

فرازی از دعای عهد

اللهم ان حال بیني وبينه الموت الذي جعلته على عبادك حتماً مقضياً، فاخرجني من قبری، مؤتزراً كفنی، شاهراً سیفی، مجرداً قناتی، ملبياً دعوہ الداعی فی الحاضر والبادی

«خدایا اگر مرگی که بر همه بندگان قلمی و مسلم کرده‌ای، میان من و ظهور مولا یم جدایی بیندازد، با قدرت بی‌نهایت مرا از قبر بیرون بیاور، در حالی که کفنم را بخودم پیچیده، شمشیرم را از غلاف درآورده، نیزه‌ام را به دست گرفته، دعوت دعوتگری را که در شهر و صحرا بانگ بر می‌آورد لبیک بگویم.

دکتر علی مشکینی

شعبان المعظم ۱۴۲۸

فهرست مطالب

موضوع	صفحه
نیایش و رجعت	الف
مقدمه اول	۱
مقدمه دوم	۲
مقدمه سوم	۲
مقدمه چهارم	۴
دلیل اول	۴
دلیل دوم	۴
دلیل سوم	۵
دلیل چهارم	۵
دلیل پنجم	۶
دلیل ششم	۷
رجعت در آئینه قرآن	۱۰
۱ سوره نوره آیه ۳	۱۲

- ٢ سورة بقره آيات ٥٥، ٥٦ ١٣
- ٣ سورة بقره آيات ٧٢، ٧٣ ١٤
- ٤ سورة بقره آيه ٢١٠ ١٨
- ٥ سورة بقره آيه ٢٤٣ ٢٠
- ٦ سورة بقره آيات ٢٥٨، ٢٥٩ ٢٢
- ٧ سورة بقره آيه ٢٦٠ ٢٤
- ٨ سورة آل عمران آيه ٤٩ ٢٨
- ٩ سورة آل عمران آيات ٨١، ٨٢ ٣١
- ١٠ سورة آل عمران آيه ٨٣ ٣٣
- ١١ سورة آل عمران آيه ١٥٧، ١٥٨ ٣٤
- ١٢ سورة آل عمران آيه ١٨٥ ٣٤
- ١٣ سورة نساء آيه ١٥٩ ٣٧
- ١٤ سورة مائده آيه ٢٠ ٣٩
- ١٥ سورة انعام آيات ٢٧، ٢٨ ٤٠
- ١٦ سورة انعام آيه ١٥٨ ٤٢
- ١٧ سورة اعراف آيه ٩٦ ٤٤

١٨	سورة اعراف آيه ١٢٨	٤٧
١٩	سورة اعراف آيه ١٥٧	٤٨
٢٠	سورة اعراف آيه ١٥٩	٤٩
٢١	سورة توبه آيه ٣٣	٥١
٢٢	سورة توبه آيه ١١١	٥٢
٢٣	سورة يونس آيه ٢٠	٥٥
٢٤	سورة يونس آيه ٣٩	٥٦
٢٥	سورة يونس آيه ٥٤	٥٨
٢٦	سورة يونس آيه ٨٤	٥٩
٢٧	سورة هود آيه ٨٣	٦١
٢٨	سورة ابراهيم آيه ٥	٦٢
٢٩	سورة حجر آيه ٢	٦٤
٣٠	سورة حجر آيات ٣٦ ٣٨	٦٥
٣١	سورة نحل آيه ٢٢	٦٨
٣٢	سورة نحل آيه ٣٨	٦٩
٣٣	سورة اسراء آيات ٤ تا ٨	٧١

- ٢٤- سورة اسراء آيه ٧٢..... ٧٦
- ٢٥- سورة كهف آيه ١٩..... ٧٧
- ٢٦- سورة كهف آيه ٢٢..... ٨٢
- ٢٧- سورة كهف آيه ٣٧..... ٨٥
- ٢٨- سورة كهف آيه ٨٣..... ٨٧
- ٢٩- سورة مريم آيه ٥٤..... ٨٩
- ٣٠- سورة مريم آيه ٧٥..... ٩٢
- ٣١- سورة طه آيه ١٢٤..... ٩٥
- ٣٢- سورة انبياء آيه ٢٥..... ٩٦
- ٣٣- سورة انبياء آيه ٩٥..... ٩٧
- ٣٤- سورة انبياء آيه ١٠٥..... ٩٩
- ٣٥- سورة حج آيه ٤١..... ١٠١
- ٣٦- سورة مؤمنون آيه ٧٧..... ١٠٤
- ٣٧- سورة مؤمنون آيات ٩٣ ٩٤..... ١٠٥
- ٣٨- سورة نور آيه ٥٥..... ١٠٧
- ٣٩- سورة شعراء آيه ٤..... ١١١

- ۵۰۔ سورۃ نمل آیہ ۸۲..... ۱۱۳
- ۵۱۔ سورۃ نمل آیہ ۸۳..... ۱۲۱
- ۵۲۔ سورۃ نمل آیہ ۹۳..... ۱۲۶
- ۵۳۔ سورۃ قصص آیات ۵ و ۶..... ۱۲۷
- ۵۴۔ سورۃ قصص آیہ ۶۱..... ۱۳۰
- ۵۵۔ سورۃ قصص آیہ ۸۵..... ۱۳۱
- ۵۶۔ سورۃ سجدہ آیہ ۲۱..... ۱۳۴
- ۵۷۔ سورۃ سجدہ آیہ ۲۷..... ۱۳۶
- ۵۸۔ سورۃ سجدہ آیہ ۲۹..... ۱۳۷
- ۵۹۔ سورۃ سبا آیہ ۲۸..... ۱۳۸
- ۶۰۔ سورۃ یس آیات ۱۳ و ۱۴..... ۱۳۹
- ۶۱۔ سورۃ یس آیہ ۳۱..... ۱۴۴
- ۶۲۔ سورۃ یس آیہ ۵۲..... ۱۴۷
- ۶۳۔ سورۃ ص آیات ۴۱ تا ۴۳..... ۱۴۸
- ۶۴۔ سورۃ مؤمن آیہ ۱۱..... ۱۵۴
- ۶۵۔ سورۃ مؤمن آیہ ۴۶..... ۱۵۶

١٥٨.....	٦٦- سورة مؤمن آیه ٥١.....
١٦٠.....	٦٧- سورة مؤمن آیه ٧٧.....
١٦١.....	٦٨- سورة مؤمن آیه ٨١.....
١٦٢.....	٦٩- سورة ثورى آیه ٤٤.....
١٦٣.....	٧٠- سورة زخرف آیه ٢٨.....
١٦٤.....	٧١- سورة زخرف آیه ٥٧.....
١٦٦.....	٧٢- سورة دخان آیه ١٠.....
١٦٨.....	٧٣- سورة حاثیه آیه ١٤.....
١٦٩.....	٧٤- سورة احقاف آیه ١٥.....
١٧١.....	٧٥- سورة فتح آیه ٢٨.....
١٧٣.....	٧٦- سورة فى آيات ٤٢-٤١.....
١٧٥.....	٧٧- سورة فى آیه ٤٤.....
١٧٦.....	٧٨- سورة ذاریات آيات ١٣ و ١٤.....
١٧٧.....	٧٩- سورة ذاریات آيات ٢٢ ٢٣.....
١٧٩.....	٨٠- سورة ذاریات آیه ٦٠.....
١٨٠.....	٨١- سورة طور آیه ٤٧.....

- ۱۸۱..... ۸۲- سورة نجم اید ۵۳
- ۱۸۳..... ۸۳- سورة قمر اید ۸
- ۱۸۴..... ۸۴- سورة صمتحه اید ۱۳
- ۱۸۶..... ۸۵- سورة صحف اید ۹
- ۱۹۰..... ۸۶- سورة قلم اید ۱۶
- ۱۹۲..... ۸۷- سورة معارج ايات ۵-۴
- ۱۹۴..... ۸۸- سورة جن ايات ۲۷ تا ۲۴
- ۱۹۶..... ۸۹- سورة مدثر ايات ۱ و ۲
- ۱۹۷..... ۹۰- سورة مدثر ايات ۳۵-۳۶
- ۱۹۸..... ۹۱- سورة نباء اید ۱۸
- ۱۹۹..... ۹۲- سورة نباء اید ۴۰
- ۲۰۰..... ۹۳- سورة نازعات ايات ۶ تا ۱۴
- ۲۰۳..... ۹۴- سورة عبس ايات ۱۷ تا ۲۳
- ۲۰۵..... ۹۵- سورة انشفاق اید ۱۹
- ۲۰۷..... ۹۶- سورة طارق اید ۸
- ۲۰۸..... ۹۷- سورة طارق اید ۱۶

۹۸- سورة الشمس آیات ۱-۴ ۲۰۹

۹۹- سورة الشمس آیات ۱۴-۱۵ ۲۱۰

۱۰۰- سورة لیل آیات ۱و۲ ۲۱۱

۱۰۱- سورة ضحی ایة ۴ ۲۱۳

۱۰۲- سورة نثار آیات ۳و۴ ۲۱۴

منابع ۱۸۸

کتابنامه ۱۸۹

مقدمه اول:

ایمان به ظهور منجی بشریت از وضع موجود و اقامه عدل و داد، فطری بشر است و لذا این عقیده در هر ملت و دینی وجود دارد. محمد امین زین الدین می گوید: شکی نیست که اعتقاد به اصلاح جامعه از وضعیت موجود از ابتدای تاریخ بشر در ذهن مردم وجود داشته است و از عقاید اختصاصی دین اسلام نیست، زیرا در بین ادیان آسمانی قبل از ظهور اسلام مشاهده می کنیم که همگی خبر از وقوع این حقیقت داده اند و حتی صفات مصلح و راه کارهای اصلاحی او را نیز بیان کرده اند اگر چه نام او را مهدی و دعوت اصلاحی او را به نام مهدویت نگذاشته اند... این عقیده و فکر حتی به ادیان دیگر از قبیل زردشتی و برهمنی و ... نیز سرایت کرده است...

پس ترسیم خطوط کلی برای روز موعود به شروع خلقت باز می گردد، زیرا این روز هدف و غرض اساسی برای خلقت است. برای توضیح این مطلب به نکاتی چند اشاره می کنیم:

۱- برای برپایی حکومت عدل جهانی دو شرط اساسی وجود دارد:

یکی شناخت کامل عدل به معنای وسیعش و دیگری آمادگی برای فداکاری در راه پیاده کردن عدالت در سطح جهان، بعد از علم و شناخت عدل. بشر این دو شرط اساسی را از ابتدای خلقت نداشته است بلکه انبیاء متکفل این دو امر مهم شده در صدد تربیت بشر برای رسیدن به آن دو بوده اند. البته انبیاء در شرط اول به موفقیت رسیده و عدل را به معنای وسیع و همه

جانبه‌اش برای مردم تبیین نموده‌اند ولی در طول تاریخ خود نتوانسته‌اند شرط دوم را به طور کامل محقق سازند.

۲- انبیاء در طول تاریخ بعثت خود مردم را به هدف و غرض انسانی از خلقت بشر که همان رسیدن به حکومت عدل توحیدی است گوشزد می‌کرده‌اند.

۳- برای هیچ یک از انبیاء شرایط اساسی و عمومی برای هدایت کل بشر و تشکیل حکومت عدل توحیدی در سطح جهان فراهم نشد، زیرا دو شرط اساسی برای تشکیل چنین حکومتی فراهم نگشت.

مقدمه دوم:

مطابق قواعد عمومی، حد زمان لازم برای حکومت عدل جهانی توحیدی امام زمان (ع) باید وقت وسیعی باشد که بتواند اهداف عالی خلقت بشر در این دنیا در آن مدت زمان تحقق یابد. چون:

الف) هدف از خلقت ایجاد عبودیت خالص در سطح کل جامعه است: عبودیت در سطح وسیعش به نحو استغراقی نه بدلی.

ب) حضرت مهدی (ع) با برپایی حکومت جهانی‌اش در پیاده نمودن این هدف سهم عظیمی دارد.

ج) پیاده کردن این هدف عظیم احتیاج به زمان کافی دارد زیرا اصل بر عدم معجزه است.

نتیجه: بقای امام و حکومت او در مدت کافی برای تطبیق هدف عالی خلقت انسان ضروری است.

مقدمه سوم:

روایات در مورد مدت عمر حضرت بعد از ظهور و مدت حکومت حضرت مهدی (ع) مختلف هستند. روایاتی دال بر مدت بقای حکومت حضرت ده سال یا کمتر، پنج یا هفت یا نه سال بوده‌اند و روایاتی نیز بر مدت حکومت بیش از ده سال دلالت دارند که بیست سال و سی یا چهل سال، نوزده سال، نوزده سال و چند ماه، ذکر شده است و حتی در روایتی دیگر از امام صادق (ع) در مورد مدت حکومت حضرت قائم سؤال شد که حضرت فرمود: هفت سال، خداوند روزها و شب‌ها را طولانی خواهد کرد به حدی که یک سال از سالهای او به مقدار ده سال از سال‌های شما است. لذا مدت حکومت آن حضرت هفتاد سال از سال‌های شما خواهد بود. و از حضرت امام باقر (ع) نقل شده که فرمود: همانا قائم سیصد و نه سال حکومت خواهد نمود همان گونه که اهل کهف در غارشان درنگ کردند، زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد، آن گونه که پر از ظلم و جور شده باشد.

در هر صورت، در صدد توجیه و توضیح اختلاف روایات مدت حکومت حضرت نیستیم بلکه می‌گوئیم که همچنانکه می‌دانیم چه زمان‌های طولانی بشر خود را آماده روز موعود کرده و به انتظار آن به سر می‌برد، مدت زمانی که می‌توان به درازای عمر بشریت به حساب آورد و چه فداکاری که برای تحقق این هدف به کار رفته است. حال می‌توان طی این همه مقدمات طولانی (بدرازای عمر بشریت) را به جهت رسیدن به مدتی کوتاه (۵، ۷، ۹، ۱۰، ۱۹، ۲۰، ۳۰، ۴۰، ۷۰، ۳۰۹ سال) در نتیجه‌گیری دانست؟ یعنی بعید بنظر می‌رسد که زمان نتیجه‌گیری کوتاه‌تر از زمان مقدمات آن باشد.

مقدمه چهارم:

ادله عقلی ادامه حکومت عدل جهانی حضرت مهدی در قالب رجعت

دلیل اول: قسر دائم یا اکثری محال است.

الف) روح و نفس ناطقه، علاقه تام به بدن عنصری دارد و لذا هر گاه بعد از مرگ توجه آن به بدن طبیعی به نحو کامل حاصل شود، زندگی جدید ممکن است.

ب) هر حقیقت خاصیت و اثری دارد، لذا پیامبر و امام دارای قوه تکمیل و تعلیم نسبت به جمیع بشر است تا روز قیامت.

ج) در حکمت به اثبات رسیده که قسر دائمی یا اکثری محال است، یعنی هر طبیعت و حقیقتی محال است که در هیچ وقت یا در اکثر اوقات از خاصیتش محروم گردد.

نتیجه اینکه رجوع پیامبر و امامان علیهم السلام به دنیا از آنجا که در زمان حیاتشان نسبت به تعلیم عموم بشر به فعلیت نرسیده ضروری است.

دلیل دوم: ضرورت تداوم راه مصلحان

الف) هر شخص انقلابی که در صدد برپایی نهضتی بزرگ در سطح جامعه است احتیاج به جانشینانی دارد که اصول ترسیم شده از ناحیه او را تبیین و تطبیق نمایند و لذا بعد از پیامبر (ص) دوازده امام علیهم السلام منصوب شدند.

ب) مطابق روایات شیعه و سنی امامان بعد از پیامبر (ص) تا روز قیامت دوازده نفرند.

ج) امام دوازدهم حضرت مهدی (ع) بزرگ ترین قیام کننده جهانی است که با هدف برپایی حکومت عدل توحیدی در سطح جهان قیام خواهد نمود.

د) این گونه قیام، نیاز به آمدن اشخاص بعد از او دارد که ادامه دهنده راه او در زمینه تبیین و تطبیق منویات و اصول نهضت او باشند که همانند او از مقام عصمت برخوردارند.

نتیجه: ضرورت رجعت اهل بیت علیهم السلام

دلیل سوم: فطری بودن رجعت

الف) ضرورت حکومت عدل جهانی، فطری بشر است.

ب) عمر حضرت بعد از ظهور عادی خواهد بود، زیرا اصل در عدم اعجاز است.

ج) مطابق قاعده و روایات، مدت حکومت عدل توحیدی طولانی خواهد بود.

د) باید کسانی باشند مثل خود حضرت که ادامه دهنده راه او هستند.

نتیجه: ضرورت رجعت

دلیل چهارم: ضرورت تکوینی رجعت

از بسیاری آیات و روایات چنین بر می آید که ظلم و ستم به ویژه ستمی که پاسخ داده نشود و در آن حق مظلوم از ظالم گرفته نشود، حدودی که جاری نشوند و مجازات‌هایی که به اجراء در نیایند، همه و همه به تنهایی و در کنار یکدیگر مایه آن خواهد شد که نظم زمین و آسمان بر هم خورد، باران در جای خود نیارد، نعمت‌ها دگرگون شوند، سرزمین‌های

آباد، بایر، خشک و غیر زراعی شوند. باغ‌ها و درختان به شوره‌زار تبدیل شوند، روحيات مردم تغییر یابد و از این قبیل آثار وضعی و پیامدهای طبیعی گناهان اجتماعی که بر عالم تکوین تأثیر خواهند نهاد.

از سوی دیگر می‌دانیم که قرار است پس از ظهور، زمین سراسر آباد و سرسبز شود و هر چیزی به جای خود بازگردد و می‌دانیم که عالم، عالم علل و اسباب است و قرار است کار این جهان حتی پس از ظهور نیز، جز در مواردی خاص، با علل و اسباب پیش رود.

بر اساس این دانسته‌ها، اگر قرار باشد زمین آباد شود، باید علت‌ها و سبب‌های خشکی و خرابی آن از میان برود، حال اگر این علت‌ها و سبب‌ها این باشند که در زمان‌های گذشته خونی به ناحق ریخته شده، حقی غصب شده و ستمی بر کسی رفته است و در پی آن کيفری در کار نبوده و به همین خاطر، زمین‌هایی سرسبز، کوير و شوره‌زار شده‌اند، ضروری است که آن افراد و عوامل زنده شوند، حدود و مجازات‌ها به اجرا در آیند و حق‌ها به جای خود بازگردند تا باران‌هایی که به این دلایل بر سرزمین یا سرزمین‌هایی نبازیده‌اند باز ببارند و نعمت‌هایی که راه آنها بسته شده بودند باز ارزانی زمین و زمینیان شوند.

دلیل پنجم: ضرورت تاریخی - عقیدتی

می‌دانیم که بسیاری از پیروان ادیان و مذاهب نادرست آنها که تعصب و عنادی ندارند حق را می‌پذیرند و اگر تشخیص خود را غلط دانستند، نظر خویش را تغییر می‌دهند، تنها به خاطر این پیرو برخی دین‌ها و مذهب‌ها شده و در عقیده خود مانده‌اند که نمی‌توانند بپذیرند که پیشوایانشان دروغ گفته‌اند، به نیرنگ دست یازیده‌اند، توطئه اندیشیده‌اند،

دین ساخته‌اند و آن را به خدا نسبت داده‌اند، یا دینی الهی را در حساس‌ترین شرایط تاریخی خود به انحراف کشانده‌اند این افراد اگر بدانند که در گذشته چه رخ داده است و این را از زبان همان بدعتگران، دین‌سازان و انحراف‌آفرینان، بشنوند از عقیده خویش دست خواهند برداشت و به حق خواهند گروید.

از دیگر سو می‌دانیم که قرار است پس از ظهور همگان به حق گرایند و با رغبت، به مذهب و آئینی رو کنند که حق است و قرار است تنها با آنان ستیز شود که حق را در می‌یابند اما بر باطل خود اصرار می‌ورزند.

بر این اساس اگر قرار باشد که در این دنیا حق بر پیروان و مذاهب و ادیان باطل که حسن ظن به پیشوایان خود دارند آشکار شود، راهی جز این نیست که همان پیشوایان باطل از همان جایگاهی که پیروانشان به عنوان آرامگاه برای آنان می‌شناسند بیرون آیند، دوباره زنده شوند و خود اقرار کنند که چگونه آیندگان را اغفال کرده، به اشتباه کشانده و گمراه ساخته‌اند و جز این طریق پیروان حق جو اما خوشبین به گمراهی پیشوایان خود یقین نخواهند یافت و پیروان معاند و حق ستیز شناخته نخواهند شد.

به همین ترتیب لازم است که پیامبران نیز به این جهان برگردند تا شاهی باشند برای آئین حق که آورده‌اند و میزانی برای سنجش دگرگونی و تحریف‌هایی که در آئین آنان صورت پذیرفته است.

دلیل ششم: ضرورت کمال انسانی

هدف از آفرینش انسانها در رسیدن به کمال و نزدیکی به کمال مطلق است که از آن با قربه الی الله یا تقرب و نزدیکی به خدا یاد می‌شود. این نزدیکی به خدا برای هر انسان باید در طول عمر محدود او در این دنیا به دست آید. هر لحظه این عمر اگر برای هر انسان با ایمان و عمل صالح و بهترین عمل در هر لحظه همراه باشد که انسان پس از مرگ خویش در بالاترین و والاترین درجات جا خواهد داشت هر لحظه که برای هر انسان به گونه‌ای مطلوب سپری می‌شود در آخرت برای او سالها، قرن‌ها و هزاره‌ها پیشرفت خواهد بود و هر لحظه که از دست برود در جهان دیگر باید سالها، قرن‌ها و هزاره‌ها را طی کند تا به آن نقطه‌ای برسد که می‌توانست با یک لحظه دنیا برسد.

مؤمنانی هستند که پس از مرگ و دیدن آنچه به دست آورده و آنچه از دست داده‌اند آرزو می‌کنند که باز به دنیا باز گردند، عمل صالح کنند در راه خدا کوشش، تلاش و جهاد نمایند به مردم خدمت کنند، در راه استقرار حقیقت و تاسیس و استمرار حکومت حق بکوشند و در این راه رنج ببینند و در صورت لزوم کشته شوند تا به درجاتی بالاتر و والاتر از آنچه هم اکنون در آن هستند دست یابند، اینان مشتاق این هستند که از بهشت برزخی با همه نعمت‌هایش بیرون آیند و رنج زندگی دنیا را به جان بخرند تا آن گاه که باز می‌گردند در مراتبی بالاتر قرار گیرند. مراتبی که بدون این کوشش‌ها، تلاش‌ها و مجاهدت‌های چندروزه دنیا باید با سال‌ها، قرن‌ها و هزاره‌ها در عالم دیگر بدست آید.

از دیگر سوی هستند انبیاء، جانشینان انبیاء و اولیایی که در این دنیا آمدند و رفتند اما مردم نتوانستند بیش از قطره‌ای از دریای وجود آنها

بهره ببرند. آنها نیز مشتاق هستند که به این دنیا باز گردند تا باز در راه خدا به هدایت مردم پردازند و بخش‌هایی دیگر از ظرفیت‌های گسترده و پهنای وجود خویش را در اختیار مردم بگذارند. با این کار، هم سهمی در استقرار دین حق در سرتاسر گیتی بر عهده بگیرند، هم دیگر نیروها و توان‌های آنها بی حاصل نماند. هم خود از این طریق تقریبی بیشتر کسب کنند.

برای اینکه ظرفیت‌های بالقوه مؤمنان خالص به فعل درآید و برای آن که ظرفیت‌های بالفعل انسان‌های کامل در خدمت ایمان، مؤمنان و حکومت ایمانیان به کار گرفته شود و برای اینکه استعداد و توان‌هایی که خداوند در انسان‌ها نهاده است عبت نباشد، ضروری است که مؤمنان استوار و انسان‌های کامل دوباره در این جهان حاضر شوند و راه نیمه تمام خود را تمام کنند.

اما مؤمنانی هستند که بیم آن دارند که اگر به این دنیا باز گردند گرفتار ضعفها، خطاها و وسوسه‌هایی شوند که آنها را از مرتبه خویش پایین‌تر خواهد آورد، چنین مؤمنانی مایل نیستند که به این جهان برگردند و نیز برنخواهند گشت.